

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی درباره جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بنما به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۶۹) یارِ هم خانه ما

از آن آشنا پرسیدم:

- آیا آن دسته از نیاتِ بدِ شخص که به دلیلی به مرحله اجرا نرسیده اند نیز در نامه اعمال او ثبت می شوند؟

در پاسخ فرمود:

- آری.

همان طور که پیش تر گفته ام،

نیت مجرمانه، خود، نوعی جرم به شمار می آید.

مگر آن که

دارنده نیتِ سوء، به اختیارِ خویش، و نه به دلایلی چون بیمِ از افشا شدنِ آن و یا از ترسِ برخوردِ احتمالیِ دیگران با او، خودش از اجرایِ آن نیتِ بد مُنصَرَف شَوَد.

افزود:

- البته فقط نیتِ بد چنین نیستند؛

بسیاری از گمان ها و حدس ها، به ویژه گمانِ بد نسبت به دیگران، نیز گناه و سیئه محسوب گشته و در نامه اعمالِ شخص ثبت می شوند.

اندیشناک ادامه داد:

- بی شک، حدس و گمانِ بد نسبت به خداوند و اولیای "او"، گناهی بس بزرگ و نابخشودنی است.

پرسیدم:

- نیتِ خوب چطور؟

فرمود:

- نه فقط اعمالِ صالحه، بلکه صرفِ داشتنِ نیتِ نیک نیز حَسَنه به شمار می آید، حتی اگر دارنده آن

نیت، به دلیلی خارج از یدِ قدرتِش، نتوانسته باشد که آن ها را به مرحله اجرا در آورد.

مگر آن که

دارنده حُسنِ نیت، به اختیارِ خویش، از اجرای آن مُنصَرِف شود،

که در این صورت،

او دیگر نمی تواند، بابتِ آن نیت، انتظارِ أَجَر و ثبَتِ حَسَنه داشته باشد.

افزود:

- نیت و تصمیماتِ بدی که در مسیرِ اجرا به مانعِ بَر می خورند، طَبِيعَتاً، کَم رنگ تر از آن دسته از سیئات

ی که عملاً به مرحلهٔ اجرا در آمده اند، در نامهٔ اعمالِ شخصِ ثبَت خواهند شد؛

و از آن جا که

در هر دَفَتَر، پاک کردنِ نوشته های کم رنگ تر، آسان تر از زُدودنِ نگاشته های پر رنگ تر است،

پس اگر

"او"، از سِرِ لطف، چنین اراده فرماید که، در نامهٔ اعمالِ یک شخص، قَلَمِ عَفْو بر برخی از گناهانِ وی کَشیده

شود،

عدلِ "او" ایجاب می کند که این مواردِ کم رنگ تر، سریع تر و آسان تر، مَشْمُولِ مَرَحْمَت و آمُرزش واقع

گردند.

ادامه داد:

- گرچه

نزدِ خداوند سُرْعَت و سُهولت، و نیز کُنْدی و دشواری، بی معناست،

و "او" قادر است، آن چه را که شما سخت ترین کارها می پندارید، در یک آن به اجرا در آورَد.

پرسیدم:

- حَسَنَه و سَيِّئَه، در واقع، چیستند؟

فرمود:

- با استفاده از تمثیل پیوستار می توان گفت که

رفتن به سوی ابتدای راست پیوستار، یعنی به سمت سپاهِ رحمان، حَسَنَه محسوب می شود؛

و حرکت به سوی انتهای چپ آن، یعنی به سمت لشکر شیطان، سیئه به شمار می آید.

افزود:

- یک گام در هر یک از آن دو جهت، به ترتیب، یک حسنه و یا یک سیئه است؛

پس اگر در احادیث و روایات گفته می شود که در ازای انجام یک عملِ معین، در نامه اعمالِ شخصِ عامل،

مثلاً، هزار حسنه می نویسند، یعنی آن عمل، او را هزار گام به اردوگاهِ رحمان نزدیک می کند.

همین طور،

هر سیئه، شخص را یک قدم به سوی لشکر شیطان می بُرد،

و یا از منظرِ دیگر می توان گفت که

هر سیئه، شخص را یک گام از سپاهِ رحمان دور می سازد.

ادامه داد:

- از آن جا که ابتدایِ راستِ آن پیوستار، آستانهٔ ورود به پیشگاه خداست،

پس

ماهیتِ حسنه و سیئه، به ترتیب، نزدیک شدن به پیشگاه خدا و یا دور شدن از آن است.

به بیان دیگر،

هر آن نیت و تصمیم و عملی که فرد را به پیشگاهِ خدا نزدیک می کند حسنه است و عکس آن

سیئه.

پرسیدم:

- چرا واژهٔ پیشگاهِ خدا را به کار می برید؟

چرا نمی گوئید هر عملی که فرد را به خدا نزدیک و یا از "او" دور می کند حسنه و یا سیئه است؟

فرمود:

- "او" در کنار و بیرون و درونِ تک تک ذرات هستی همواره حاضر است.

به همین خاطر

عالم، محلِ حضورِ خداوند است و همهٔ مخلوقات در محضَرِ "او" به سر می برند.

افزود:

- ضمناً

نزدیک بودن به خدا و یا نزدیک شدن به "او"، و نیز دور بودن از خدا و یا دور شدن از "او"، صرفاً مفاهیمی تمثیلی اند؛

این مفاهیم، تنها در رابطه با مخلوقات، آن هم به تعبیری خاص، معنا می یابند.
تا آن جا که به خداوند مربوط می شود، این گفته ها کاملاً بی معنا هستند.

آن آشنا ادامه داد:

- فاصله بین خالق و مخلوق نمی تواند از آن چه که هست کوتاه تر شود.

چون

در حقیقت، چنین فاصله ای وجود ندارد؛

"او" از رگ گردن به آفریدگانش نزدیک تر است.

آنگاه زمزمه کرد:

- در شگفتم از این که چرا انسان ها، همیشه، نزدیک ترین دوست خود را در دور دست ها جستجو

می کنند!

من نیز بی اختیار زیر لب گفتم:

"یار" در خانه و ما گردِ جهان می گردیم

ادامه دارد